



16 آگست 2017

داکتر سید عبدالله کاظم

امتان از "امتنانیه" دانشمند گرامی کاندید اکادمیسین سیستانی با چند توضیحی ارادتمندانه

دو روز قبل وقتی به صفحه تحلیل ها نظر انداختم، چشم به مقاله دانشمند گرامی جناب سیستانی صاحب افتاد زیر عنوان "امتنانیه از داکتر کاظم بخاطر مقاله: بررسی تحلیلی و تاریخی معاهده آب هلمند" که توجهم را جلب کرد. آن مقاله را مثل دیگر نوشته های ایشان با اشتیاق خواندم و خواستم بدینوسیله اولتر از همه از حسن نظر همیشگی شان درباره شخص خود و نیز در رابطه با نوشته های صمیمانه ابراز امتنان نمایم.

بدون شک کاندید اکادمیسین محمد اعظم سیستانی یکی از محققان با نام کشور است که با نوشتن مقالات متعدد و چندین عنوان کتاب بخصوص در مورد سیستان قدیم، خصوصیات اجتماعی و اقتصادی و اهمیت ستراتیژیک آن منطقه در طول بازی بزرگ قرن نهم و نیز درباره دریای هلمند و منابع آبی آن با استفاده از مأخذ معتبر خدمت شایسته و در خور تمجید انجام داده است، که البته اینجانب از آثار ایشان فیض برده و استفاده کرده ام. خدای بزرگ ایشان را به پناه خود داشته عمر دراز و با صحت نصیب کند.

انگیزه این نوشته البته پس از ابراز امتنان از امتنانیه شان، توضیح چند نکته در مورد معاهده آب هلمند است که بین موسی شفیق و امیرعباس هویدا بتاريخ 22 حوت 1351 درکابل امضاء شد. باید اذعان دارم که یگانه مأخذی که از همان روزهای اول امضای معاهده در دسترس قرار گرفت، همانا رساله "سوابق و اسناد موضوع آب از رود هلمند" بود که بر مبنای اسناد وزارت امور خارجه توسط اداره ارتباط عامه وزارت اطلاعات و کلتور وقت بار اول بتاريخ 12 حمل 1352 یعنی 20 روز بعد از امضای معاهده به نشر رسید که بعضی ها آنرا بنام "اوراق سفید" یاد کرده اند (چاپ دوم آن بوسیله شخصی بنام اکبر شاه - سابق مدیر معارف ولایت لغمان در پشاور نشر شده است که آنرا میتوان در کابل به سهولت دستیاب کرد).

متأسفانه از آنروز تاحال هرکی درباره این معاهده هرچه نوشته، از آن رساله یا خط به خط اقتباس کرده و یا با کمی تغییر در جملات، آن متن را باز نویسی نموده و کمتر کسی تاحال در صدد تحلیل این معاهده و بررسی جوانب مختلف آن برآمده است. استاد سیستانی حق دارد که بگوید: «من [سیستانی] در 20 سال تحقیق خود در مورد سیستان بجز رساله "کتاب سفید" چیزی بیشتری در کتابخانه های پایتخت کشور نیافته ام. پس مجبور بودم تا کتاب نویسندگان ایرانی را ورق بزنم و هرچه که درباره سیستان مطلبی مختصر یا مفصل نوشته بودند، یادداشت کنم.» استاد سیستانی چانس آورد که روی تصادف قبل از 1351 در بین یادداشتهای خسر خود (مرحوم فتح محمد ختگر) به راپور کمسیون بیطرف مصب رودخانه هیرمند دست یافت و متن مکمل آنرا در کتاب خود بعداً به نشر سپرد و بگمانم یگانه متن منتشره این راپور در زبان دری است که بیشتر برای مطالعه هیئت های رسمی و مسلکی کشور اختصاص داشت. (البته دسترسی به متن انگلیسی آن مشکل نیست.)

د پانو شمیره: له 1 تر 8

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلېکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

قابل ذکر میدانم، وقتی بعد از ختم تحصیل در سال 1350 از اروپا بوطن برگشتم، دورهٔ صدارت داکتر ظاهرخان بود، پوهنتون کابل بسته و مظاهرات به شدت در محوطه آنجا و نیز در شهر کابل در جریان بود که این وضع در زمان موسی شفیق نیز ادامه داشت. با مطرح شدن معاهده آب هلمند در اواخر سال 1351 مظاهرات کسب شدت کرد و تا سقوط سلطنت به همان شدت ادامه یافت و صدای مخالفان معاهده در همه جا طنین انداز بود، ولی کسی نمیخواست از ترس اتهام وابستگی به ایران از معاهده علناً دفاع کند، چه رسد که در زمینه چیزی بنویسد. اما در فاصلهٔ تقریباً یک ماه پس از تصدیق معاهده و توشیح آن از طرف پادشاه، کودتای 26 سرطان 1352 صورت گرفت و اوضاع کاملاً تغییر کرد، طوریکه دیگر نه آوازی بر عیله معاهده بلند شد و نه مظاهره ای به راه افتاد و سکوت همه جا را فرا گرفت و همه چشمها منتظر رویدادهای بعدی بودند. تا آنکه در سال 1356 محمد داؤد رئیس جمهور امر به تبادل اسناد مصدقه معاهده داد و معاهده شکل نهائی و حقوقی را به خود گرفت.

پس از کودتای 7 ثور 1357 سردمداران رژیم خلقی - پرچمی در برابر یک عمل انجام شده قرار گرفتند و نتوانستند فسخ معاهده را اعلام نمایند، درحالیکه این معاهده را منافی آرزومندی "همسایه بزرگ شمالی" خویش یعنی شوروی میدانستند. همانطوریکه استاد سیستانی اذعان نموده که در دورهٔ خلقی - پرچمی هیچکسی را یارا نبود تا در تأیید و توضیح معاهده حرفی بزیان آورد و ایشان هم وقتی عضو اکادمی علوم شدند، ناگزیر به تحقیق پیرامون سوابق باستانی سیستان پرداختند و از معاهده و ماهیت آن یادی نکردند و اما بعداً در سال 2014 حین چاپ دوم بعضی از کتابهای خود در پورتال افغان جرمن آنلاین تکمله هایی را با استفاده از آثار بعدی در باره معاهده آب هلمند افزودند. کتاب "روابط سیاسی افغانستان و ایران در صدسال اخیر"، تألیف وحید مژده (چاپ اول سال 2010 که در همان سال در بخش های مختلف به سلسله در پورتال افغان جرمن آنلاین نیز به نشر رسید) مأخذ جدیدی بود که استاد سیستانی در ایزاد تکمله های جدید در زمینه معاهده آب هلمند در بعضی از کتب خود از آن استفاده نموده اند.

از روی اخلاص و صمیمیت، اینک در ارتباط به نوشته اخیر جناب استاد سیستانی به توضیح چند نکته می پردازم که برای علاقمندان این موضوع ملی با اهمیت خواهد بود، از اینقرار:

1 - در مورد نظر انجنیر میرمحمد اکبر رضا:

اقتباس متن مکمل مصاحبه انجنیر رضا از مقاله اینجانب توسط استاد سیستانی به نظرم کار نیکی بود تا خوانندگان عزیز بار دیگر به نحوه استدلال انجنیر رضا در جهت دفاع از معاهده آب هلمند عمیقاً پی ببرند و دریابند که نظر موصوف نه مبنای ایدئولوژیک داشته و نه جنبه احساساتی، بلکه بیشتر استوار بر واقعیت ها از لحاظ رعایت "عرف تاریخی" استفاده از آب هلمند برای آنطرف سرحد و مطابق به اصول و تعاملات کنوانسیونهای بین المللی در زمینه که از اواسط قرن بیستم بدینسو متواتر در حال تکامل بوده است.

استاد سیستانی در ارتباط با نظر انجنیر رضا می نویسد که: «در افغانستان معمول است که اگر یک پروژه یا یک قرارداد ساختمانی، دارای نواقص باشد و مورد انتقاد قرار گیرد، مسئول پروژه ساختمانی سعی میکند با هزار و یک دلیل اقدامات خود را موجه جلوه دهد تا طرف منتقد را قناعت داده باشد. استدلال انجنیر میرمحمد اکبر رضا نیز از این گونه استدلال ها است.»

در این ارتباط باید دو موضوع را در نظر داشت: یکی اینکه معاهده هلمند دست آورد یک شخص نبوده و مراحل تکاملی را پیموده است که مذاکرات دوامدار آن چه در سطح هیئت های مختلف افغانی و چه در سطح بین المللی قدم بقدیم پس از مباحثات و جنجالهای فراوان طی چند دهه بالاخره منتج به متن نهائی گردید؛ دیگر اینکه مرور زمان از امضای معاهده تا امروز که 45 سال از آن می گذرد، ثابت ساخت که اگر معاهده در آنوقت امضا نمی شد، امروز جانب ایران برطبق ضرورتهای جاری خود طالب مقدار بسیار بیشتر حقایق برای خود می شد و در صورت اقامه دعوا به مراجع بین المللی، فیصله نیز به نفع آنها صورت میگرفت. امروز جای شکر است که این معاهده دست و زبان جانب ایران را بسته است و افغانستان سند معتبر و غیرقابل برگشت را در دست دارد که از نظر اعتبار حقوقی هر نوع ادعای ایران را مبنی بر حقایق بیشتر از مندرجه معاهده رد میکند.

با تأسف در جریان بیش از چهار دهه اخیر افغانستان به دلایل مختلف نتوانست با اعمار پروژه های جدید از آب دریای هلمند استفاده کند و بیشترین مقدار آب را ایرانی ها به رایگان به یغما بردند و اگر افغانستان معاهده را به امید پروژه های انکشافی بعدی در آنوقت امضاء نمی کرد، بر علاوه آنکه ایران تاحال از مقدار بیشتر آب هلمند بهره برده است، از این به بعد نیز طالب مقدار بیشتر حقایق میگردد. دفاع اینجانب از معاهده آب هلمند بطور کل روی همین دلیل استوار است.

2 - درباره گزارشنامه وزارت مختاری افغانستان در شرق اردن:

استاد سیستانی متن دو گزارش (مورخه 3 و 11 عقرب 1326) وزارت مختاری دولت شاهی افغانستان در شرق اردن را با استفاده از کتاب وحید مزده درج مقاله اخیر خود نموده است. اینجانب هر دو گزارشنامه را در آن کتاب خوانده است و چون متن هر دو گزارش با موضوع اصلی معاهده ارتباط نداشته و فقط به این منظور تدارک شده بود تا از محتوای آن به حیث وسیله فشار بر جانب ایرانی استفاده شود، زیرا جانب ایران بر قبولیت قرارداد "بالمناصفه" آب هلمند که بین حکومتهای افغانستان و ایران در سال 1317 در زمان صدارت محمد هاشم خان امضاء شده و شورای وقت آنرا رد کرده بود، اصرار جدی داشت. حینیکه در اثر خشک سالی مدتش در سال 1326 شکایت های متعدد جانب ایران بار دیگر آغاز شد، حکومت افغانستان خواست سند رویه بالمثل ایران را با دو دریای "دیاله" و "کنجیر" به رخ شان بکشد. لذا این گزارش فقط به حیث وسیله تکتیکی در مذاکرات بکار رفت و هیچ ربط با موضوع اصلی نداشت.

واضح است که نه تنها میراکبر رضا، بلکه سائر اعضای هیئت های افغانی از آن نامه ها اطلاع داشتند و اما روح موضوع تا زمان امضای معاهده که 25 سال از آن می گذشت، بسیار تغییر کرده بود. سال 1326 (1947) سال ختم جنگ دوم جهانی و هنوز زور حاکم اوضاع بود، در حالیکه بعدتر جای زور را تدریجاً تعاملات حقوقی بین المللی در همه ساحات، به شمول تقسیم حقایق از دریا های مشترک بین ممالک مختلف گرفت که طرفین مذاکره مجبور و مکلف به رعایت آن بودند. ناگفته نماند که امروز هم اعمال زور در بعضی کشورها در این زمینه جریان دارد، چنانچه همین حالا حکومت ترکیه با اعمار بندهای متعدد بر روی منابع آبی دریای های دجله و فرات که از آن کشور سرچشمه میگیرند و در خاک عراق و سوریه جریان می یابند، مقدار آب جاری را در دو کشور مذکور به مقدار قابل توجه تقلیل داده که موجب کم آبی جدی در آن دو کشور گردیده و صدای اعتراض آنها را بلند کرده است. (میخواستم گزارشی را که "آیا سدسازی ترکیه روی رودهای منطقه ای دجله و فرات قانونی است؟" درختم این نوشته علاوه کنم، ولی چون اینکار طول مقاله را دوچند می ساخت، لذا بهتر دانستم که آنرا بطور جداگانه به نشر برسانم.)

د پانوی شمیره: له 3 تر 8

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولۍ

3 - درباره «نقاط ضعف و قوت معاهده آب هلمند»:

استاد سیستانی زیر عنوان "نقاط ضعف و قوت معاهده آب هلمند" در مقاله اخیر خود می نویسد: «من به عنوان یک سیستانی از نيمروز که رنج مردمان محل را خشکسالی ها و ترسالی ها (سیلابها) دیده ام، یکی از علاقمندان حل عادلانه آب هلمند با جانب ایران بودم و استم، ولی وقتی که متن معاهده را مطالعه کردم، برخی مواد آن به نظرم به ضرر منافع ملی معلوم میشود.»

استاد سیستانی در نوشته اخیر خود در این راستا به ذکر مطالبی در هشت فقره پرداخته اند که بعضی از فقرات شان مربوط به متن معاهده نبوده، بلکه شامل بی میلی و یا بی کفایتی و جیره خوری حکومت های بوده که نتوانستند مواد مندرج معاهده را در معرض اجراء و تطبیق قرار دهند و دست ایران را مغایر به ماده هفتم معاهده در اعمار پروژه های اطراف دلتا، آزاد گذاشتند و کوچکترین اعتراض علیه اقدامات یک جانبه آنها نکردند، از جمله فقرات شماره 3، 4، 5 و 8 مندرج مقاله شامل انتقاد هایی میباشد که ناشی از غفلت حکومت های بعدی بوده و با محتوای معاهده ربط نمیگیرند.

در رابطه با انتقادهای فقرات شماره 1، 2، 6 و 7 مندرج مقاله باید خاطر نشان ساخت که این انتقاد ها را وحید مژده نیز در کتاب "روابط سیاسی ایران و افغانستان (صفحات 126 تا 132) خود بدون ذکر مأخذ به نحوی گنجانیده و جواب خود را نیز به بعضی از آن انتقاد ارائه داشته است. بعداً جناب استاد سیستانی متن موصوف را در کتاب خود "جغرافیای تاریخی و اقتصادی هلمند" تحت عنوان "عکس العمل محافل سیاسی افغانستان در برابر امضای معاهده آب هلمند" (از صفحه 311 تا 316) عیناً اقتباس کرده و در پاورقی صفحه 316 مأخذ آنرا ذکر کرده است.

قرار معلوم، انتقادهای بر معاهده آب هلمند همزمان با امضای آن در حوت 1351 از مجرای ولسی جرگه به گوشها رسانیده شد و متن آن بوسیله مخالفان معاهده توزیع گردید که وحید مژده و نیز استاد سیستانی یکی به نقل از دیگر آنرا بعداً در کتاب های خود منعکس ساخته اند.

طوریکه در بخش پانزدهم مقاله خود تذکار داده ام: یگانه مأخذی که معلومات مؤثق از یک قسمت جریان تائید معاهده حین بحث در ولسی جرگه را ارائه میدارد، همانا کتاب "افغانستان د دموکراسی او جمهوریت په کلونو کی"، تألیف عبدالغفار فراهی (سابق وکیل بالابلوک ولایت فراه در ولسی جرگه دوره سیزدهم) است که در 312 صفحه در سال 1382 بار اول در پشاور به چاپ رسید.

وکیل عبدالغفار فراهی در این کتاب درباره دیدار خود با موسی شفیق در ماه مارچ 1973 می نویسد: «محمد موسی شفیق در باره معاهده آب هلمند نظر مرا جويا شد. برایش گفتم که دریای هلمند یک دریای داخلی افغانستان است و نباید به ایران به مقدار 26 متر مکعب آب داده شود و در این معاهده که برای ایرانی ها در محل شاخص "دیراود" در افغانستان مرکزی اجازه تفتیش میدهد، این شاخص [محل اندازه گیری] یک تجاوز آشکار بر حاکمیت ملی افغانستان است. من در اخیر گفتار خود به محمد موسی شفیق گفتم که در افغانستان بسیار صدراعظمان آمده و رفته اند، چرا آنها به همچو یک مسئله بزرگ دست نزده اند و شما چرا حالا میخواهید این مسئله مغلق را اینطور به سرعت حل کنید؟ در چشمان مرحوم محمد موسی شفیق اشک جاری شد و به جواب من گفت: "به همین علت است که

افغانستان اینقدر عقب مانده است. حالا من فیصله کرده ام که تمام پرابلمهای افغانستان را حل خواهم کرد و بعد از آن تاریخ بر من قضاوت کند.» («افغانستان د دموکراسی...»، صفحه 205 و 206)

به این اساس انتقاد مندرج فقره 2 مقاله استاد سیستانی (نقض حاکمیت ملی) برمیگردد به انتقادی که در آنوقت وکیل فراهی با موسی شفیق در میان گذاشته و آنرا نقض حاکمیت ملی خوانده بود. در این ارتباط طوریکه در مقاله خود خاطر نشان ساخته ام، تعبیر "نقض حاکمیت ملی" بسیار فراتر از روحیه اصلی ماده هشتم معاهده و ماده پنجم ضمیمه شماره یک معاهده میروود که محدود به شرایط خاص میباشد. برطبق ماده هشتم معاهده: «هریک از طرفین یک نفر کمیسار و یک نفر معاون کمیسار از بین اتباع خود تعیین خواهد نمود تا در اجرای احکام این معاهده از جانب دولت خود نمایندگی کند. حوزه صلاحیت و وظایف این کمیسار ها در پروتوکول شماره یک ضمیمه این معاهده تعیین گردیده است.» در ماده پنجم ضمیمه اول چنین آمده است: «در سالهاییکه برحسب شرح ماده چهارم معاهده مقدار جریان آب کمتر از سال نورمال آب باشد و کمیسار جانب ایرانی راجع به جریان آب بالاتر از مدخل بند کجکی بر رود هلمند (هیرمند) در دستگاه آب شناسی دهرآود طالب معلومات گردد، جانب افغانی ارقام مربوطه را که توسط آن دستگاه ثبت شده است، به دسترس وی میگذارد. در اثر تقاضای کمیسار ایرانی، کمیسار افغانی راپور ماهانه جریان آب را که در دستگاه دهرآود ثبت گردیده، به وی ارائه میدارد. در صورت تقاضای کمیسار ایرانی، کمیسار افغانی با وی همکاری خواهد نمود تا جریان آب را در دستگاه دهرآود مشاهده و اندازه گیری نماید.»

اگر به متن ماده فوق که مخالفان آنرا "نقض حاکمیت ملی" خوانده اند، دقت شود، واضح میگردد که اینکار در قدم اول فقط در سال کم آبی مطرح میشود، نه در هر موقع و زمان و آنهم اگر کمیسار ایرانی بخواهد برای اطمینان خاطر، محل مشخص اندازه گیری در دهرآود را ملاحظه کند، اینکار پس از تقاضای او البته به معیت کمیسار افغانی انجام می یابد که یک کار معمولی و اداری در روابط بین الدول محسوب میشود. باید تصریح کرد که کمیسار ایرانی به هیچ وجه حق رفت و آمد آزاد و کنترل همه وقته را در محل مذکور ندارد.

در رابطه با انتقادهای مخالفان در همان بدو مرحله که معاهده به امضا رسیده و به شورای ملی کشور جهت تصدیق ارسال شده بود، شهادت یکی از مخالفان جناب عبدالغفار فراهی وکیل بالابلوک فراه در ولسی جرگه قابل تمجید است که مردانه به ابراز نظر خود پرداخت و نیز بعد چند دهه وقتی کتاب "افغانستان د دموکراسی او جمهوریت په کلونو کی" را در سال 1382 نوشت، متن نامه محصلان افغانی در هند را که در ولسی جرگه قرائت کرده بود، نیز به نشر رسانید. این نامه اساس یک تعداد انتقادهای تخنیکی را می سازد که به استناد آن بعضی مخالفان آنرا بعداً در آثار خود بدون ذکر منبع اصلی آن نشر کرده اند. جا دارد که متن این نامه را در اینجا از کتاب فوق الذکر اقتباس و به نشر بسپارم تا ریشه اصلی انتقادهای واضح شود:

وکیل فراهی بعد از یک مقدمه کوتاه در مجلس عمومی ولسی جرگه حین بحث بر معاهده آب هلمند گزارشی را که به دری تهیه شده بود، شروع به خواندن کرد: «وکلائی محترم! حالا از محتویات این معاهده معلومات ذیل به اطلاع مجلس محترم رسانیده میشود:

1 - مطابق ماده اول این معاهده مجموع جریان آب در یک سال نورمال در دیراوت [در متن معاهده "دهرآود" نوشته شده است] چهار میلیون و پنج صد و نود هزار ایکرفت (4590000) که معادل یکصد و هشتاد (180) متر مکعب فی ثانیه است، میباشد و قرار جدول پروتوکول شماره یک این

د پانوی شمیره: له 5 تر 8

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

معاهده در ماه های حوت، حمل، ثور و جوزا بطور اوسط یک صدو چهل (140) متر مکعب آب فی ثانیه در دریای هلمند جریان دارد و در هشت ماه باقیمانده سال طور اوسط صرف چهل (40) متر مکعب آب فی ثانیه و در هشت ماه کم آبی طور اوسط (22) متر مکعب آب فی ثانیه به ایران تحویل میگردد که به این حساب در چهار ماه آبخیزی پنجم حصه و در هشت ماه کم آبی بیش از نصف مجموع آب یعنی از چهل متر مکعب آب فی ثانیه، بیست و دو متر مکعب آب فی ثانیه به ایران باید تحویل گردد.

2 - طبق پروتوکول یک این معاهده در ماه فبروری یعنی ماه دلو در یک سال نورمال شاخص دیراوت [دهراود] دو لک [استعمال "لک" بجای صد هزار، نشانه ای از آنست که نامه اساساً بقلم یک هندی نوشته شده است - کاظم] و هشت هزار ایگر فت (208000) یعنی 102 متر مکعب آب فی ثانیه معیار تعیین شده است که قرار شماره 144 راپور کمسیون بیطرف صرف 51 متر مکعب آب آن به کوهک رسیده میتواند. که در برج دلو قرار این معاهده 78 متر مکعب آب فی ثانیه به ایران تحویل میگردد، که به این حساب اگر سال واقعاً نورمال باشد، باید 27 متر مکعب آب فی ثانیه از ذخیره کجکی و یا ذخیره دیگر که به مصرف افغانستان اعمار گردیده باشد، به ایران تحویل گردد.

3 - کمسیون بیطرف در شماره 94 راپور خود نوشته است که در دریای هلمند در سال 1871 بعد از چهاربرجک، برای چهل روز آب عبور نکرده است. در سال 1902 دریای هلمند پایانتر از "رودبار" که از بند کمال خان پنجاه میل بالاتر واقع است، برای سه ماه خشک بود. در سال 1905 یعنی سالیکه سیلابهای بهاری بسیار کم بود، در وقت شدت گرما همان سال، آب دریای هلمند از "نهر نادعلی" و "رودپریان" برای دومه نگذشته است و همچنان قرار معلومات اهالی نیمروز در سال 1947 (1326) دریای هلمند طوری خشک گردید که در منطقه "میان کنگی" مردم آنجا برای آب نوشیدنی در داخل دریای هلمند چاه ها حفر کردند. خشک سالی 1971 به همه ما و شما معلوم است که با موجودیت ذخیره کجکی بازهم قلت شدید آب در منطقه سفلی هلمند محسوس بود.

وکلای محترم! در سالهای آینده اگر یکسال تحت نورمال باشد و شاخص دهرآود در برج دلو مقدار آب را 50 فیصد پایانتر از نورمال یعنی بجای 102 متر مکعب، 51 متر مکعب آب فی ثانیه نشان دهد، که این مقدار طبق مطالعات کمسیون بیطرف، اگر افغانستان از آن هیچ استفاده هم ننماید، این مقدار آب به کوهک نمیرسد و ضایع میگردد. ولی مطابق معاهده حق آبه ایران هم 50 فیصد تقلیل می یابد یعنی از 78 متر مکعب به 40 متر مکعب فی ثانیه تقلیل می یابد. یعنی باوجودیکه در دریای هلمند آب نباشد، باید 40 متر مکعب آب به ایران تحویل گردد که این مقدار آب را افغانستان از کجا و چطور تهیه خواهد کرد. [این استدلال غیر منطقی است، زیرا تقلیل حقایق ایران، تابع تقلیل مقدار آب در دستگاه دهرآود است و اگر در آنجا هیچ آب نباشد، حقایق ایران خود بخود صفر میشود - کاظم]

4 - مطابق به شرایط اقلیمی وادی هلمند، مخصوصاً در جوار منطقه دلتا که کمسیون بیطرف در شماره 144 راپور خود در امتداد دریا از بند کمال خان تا کوهک، مقدار ضایعات آنرا 50 فیصد محاسبه کرده است، یعنی اگر از ضایعات طول دریای هلمند و ضایعات داخل انهار بعد از منطقه کوهک صرف نظر شود و سیلابهای ماه های حوت، حمل، ثور و جوزا با مصارف کمر شکن قروض با مفاد دول خارجی ذخیره و کنترل هم گردد، مقدار 70 متر مکعب آب باقیمانده حتی برای 550 هزار ایگر فت زمین پروژه وادی هلمند کفایت نخواهد کرد. و افغانستان برای آبیاری صدها

د پانو شمیره: له 6 تر 8

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لوی

هزار ایگر زمین موسی قلعه، نوزاد، کشک نخود، دشت ریگستان مارگو، گودزره، تراخو، اراضی خاش ساحه نیمروز و دشت بگوا که قبلاً جهت آبیاری از رود هلمند سر وی هم شده است، از کجا آب تهیه خواهد کرد؟

5 - حال از مواد 4، 28، 31، 61، 138، 142، 143 و 144 راپور کمیون بیطرف به مجلس محترم معلومات تقدیم مینمایم: در مواد فوق راپور نوشته شده است که سیستان از لحاظ جغرافیائی جز خاک افغانستان است، در منطقه دلتا در یک سال صرف چهار انچ باران می بارد که آنهم فوراً جذب و تبخیر میگردد. زراعت در آن منطقه منحصر به آبیاری میباشد، منطقه سیستان جمعاً شامل 5 لک ایگر (پنجصد هزار) زمین است که 149 هزار ایگر آن سالانه کشت میشود و طبق عرف منطقه یک قطعه زمین بعد از سه سال یک بار کشت میگردد و به عوض یک ایگر فت (1.78) متر مکعب آب فی ثانیه است، کافی دانسته شده است، 6 هزار ایگر فت دیگر برای مصرف اهالی و مواشی آن افزوده گردیده است که این مقدار جمعاً به 11 متر مکعب آب فی ثانیه رسیده است.

وکلائی محترم! بر علاوه بخشش 4 متر مکعب آب به نام (حسن نیت) از طرف پادشاه افغانستان، 11 متر مکعب آب فی ثانیه ازین جهت دو برابر شده است که از بند کمال خان تا کوهک 50 فیصد ضایعات و در داخل نهرهای منطقه سیستان نیز 50 فیصد ضایعات قبول و محاسبه شده است که مقدار (10.8) متر مکعب آب به 26 متر مکعب فی ثانیه رسیده است یعنی از بند کمال خان باید 52 متر مکعب آب فی ثانیه رها گردد تا (10.8) متر مکعب آب به اراضی سیستان برسد و ایران به عوض یک ونیم لک [150 هزار] ایگر زمین خود، حالا تمام اراضی منطقه سیستان را بالغ بر پنج لک [500 هزار] ایگر زمین میگردد، قرار عرف آن منطقه میتواند به این مقدار آب، آبیاری نماید.»

وکیل فراهی در ختم بیانیه خود افزود: «من این معاهده را به ضرر مردم افغانستان میدانم و آنرا رد می نمایم. با احترام»

موصوف در ذیل بیانیه در کتاب خود این متن را به پشتو نوشته که ترجمه دری آن چنین است: «تبصره: اتحادیه محصلین افغانی در هند در ارتباط با معاهده آب هلمند یک نوشته تحقیقی را برایم ارسال نموده بود. در این نوشته از قول سکرتر جنرال برتانوی هند "سر بنتوم" نوشته شده بود که "باران و برف یک رحمت الهی است که بر سرزمین افغانستان می بارد و از این رحمت باید خود افغانها استفاده کنند". من یک نقل بیانیه پارلمانی خود را به آدرس رئیس آن اتحادیه ذین العابدین ممتاز در پوهنتون علیگر، پوهنخی حقوق ارسال کرده ام.» (متن مکمل بیانیه فوق دیده شود در کتاب مذکور: صفحه 213 تا 216)

در این ارتباط قابل سؤال خواهد بود که همچو راپور مسلکی و تاحدی تخریش کننده را چگونه اتحادیه محصلان افغانی در پوهنتون علیگر- هندوستان تهیه کرده و آنرا عنوانی یک وکیل مخالف معاهده در ولسی جرگه ارسال داشته و وکیل صاحب آنرا در اجلاس عمومی آن جرگه قرائت کرده است؟ آیا وکیل صاحب خود شان بر آنچه قرائت کردند، علماً و از نظر مسلکی وارد بودند؟ شاید کمترین عضو شورا قادر به درک مفاهیم و مندرجات این بیانیه بوده باشند و حتی شاید هیچیک؟

علاوتاً جای تعجب است که اتحادیه محصلین افغانی در پوهنتون علیگر به روی کدام انگیزه به تهیه گزارش تخنیکی مبنی بر نشان دادن خلاءهای معاهده دست یازیده اند؟ ناگفته پیداست که حکومت هند، بخصوص جناح ها چپی آن کشور در آنوقت با حمایت از نظر اتحاد شوروی و به نفع موقف آن

د پانو شمیره: له 7 تر 8

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاره ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

کشور در امور افغانستان غیرمستقیم دست بکار بودند. کی میداند که گزارش ارسالی محصلین افغانی در هند بوسیله شخصیت های مسلکی هند که آرزوی نزدیکی افغانستان را با دو کشور همسایه، خاصاً با پاکستان که شامل اجندای کاری شفیق بود، نداشتند و بدینوسیله کوشیدند تا با ارسال همچو گزارش به تصویب معاهده صدمه برسانند و روحیه وکلاء را بر علیه آن تقویه نمایند. (والله اعلم)

از این معلوم میشود که دست های بیرونی در تخریب معاهده نقش داشته و این راپور را تهیه کرده و از طریق آن اتحادیه به شورا ارسال داشته تا در یک محل حساس تصمیم گیری کشور مطرح شود. با آنهم طوریکه دیده شد، وکلای ولسی جرگه معاهده آب هلمند را بتاريخ 22 ماه می 1973 [مطابق 2 جوزای 1352ش] با اکثریت آراء در مجلس عمومی ولسی جرگه به تصویب رسانید که از جمله 216 عضو به تعداد 153 نفر وکلای حاضر مجلس، 127 وکیل به تأیید معاهده رأی دادند و از طرف 25 وکیل رأی مخالف و یک نفر رأی ممتنع داد و سپس معاهده در مشرانو جرگه نیز تصویب شد و پادشاه افغانستان آنرا توشیح کرد.

این بود نکاتی که خواستم بر آن روشنی اندازم و در اینجا بار دیگر از استاد سیستانی عزیز و گرامی نسبت نوشتن مقاله پرمحتوا و پرلطف شان ابراز سپاس میکنم. با ارادت

د پانو شمیره: له 8 تر 8

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولئ